

رویدادهای مهم بین المللی و منطقه ای موثر بر تحولات ایران

در انفجار ریاض دست کم شش نیروی امنیتی کشته شدند

چهارشنبه 2 اردیبهشت 1383 - 21 آوریل 2004

خبرگزاری فارس: در انفجار يك دستگاه خودروي بمب گذاري شده مقابل ساختمان امنيتي عربستان سعودي در ریاض دست کم 6 نیروی امنیتی از جمله يك افسر ارشد کشته و حدود 60 نفر زخمی شدند.
به گزارش خبرگزاری فرانسه از ریاض، يك مقام پلیس ریاض با اعلام این مطلب افزود: «در انفجار امروز شش تن از نیروهای امنیتی از جمله يك سرهنگ و يك مقام ارشد امور مالی اداره امنیتی عربستان کشته شدند»
این مقام عربستان افزود: «در این انفجار همچنین حدود 60 نفر از جمله سرلشکر فهد البشیر رئیس اداره راهنمایی و رانندگی عربستان زخمی شدند»
اداره راهنمایی و رانندگی عربستان یکی از چند نهاد دولتی است که در ساختمان اداره امنیت عمومی عربستان قرار گرفته است.

مواضع دولتها، نیروها، شخصیتها و نهادهای سیاسی جهان پیرامون تحولات ایران

آمریکا، لغو موقتی تحریم های ایران را تمدید کرد

بی بی سی - چهارشنبه 2 اردیبهشت 1383 - 21 آوریل 2004

دولت آمریکا لغو موقت تحریم های مالی علیه ایران را که سه ماه پیش به خاطر تسهیل در کمک رسانی به زلزله زدگان بم در نظر گرفته شده بود، تمدید کرد.
خبرگزاری رویتر خبر تمدید لغو تحریم های ایران توسط دولت آمریکا را در روز چهارشنبه 21 آوریل منتشر کرده است.
هوشنگ امیر احمدی، رییس شورای آمریکا و ایران که در آمریکا مستقر است و در سال های اخیر در جهت بهبود روابط دو کشور تلاش می کند، این اقدام دولت آمریکا را "نشانه ای دیگر از حسن نیت آمریکا در مورد ایران" توصیف کرده است اما یک مقام رسمی در وزارت خارجه آمریکا تصمیم دولت آمریکا را "غیر سیاسی و بر مبنای واقعیت" خوانده است.
تصمیم به ادامه لغو تحریم ها روز سه شنبه گرفته شد. دولت آمریکا اندک زمانی پس از وقوع زلزله ماه دسامبر سال 2003 در منطقه بم که به کشته شدن هزاران نفر و ویرانی شهر بم و روستاهای آن انجامید، برای تسهیل ارسال کمک های مالی از آمریکا به ایران، موقتا تحریم ارسال پول به ایران را لغو کرد. البته لغو تحریم ها مربوط به سازمان ها و موسسات غیر دولتی ایران می شود.
خبر این تصمیم زمانی اعلام شده که بحران در عراق به اوج رسیده و آمریکا نیازمند کمک همسایگان عراق، از جمله ایران برای آرام کردن اوضاع در این کشور است.
هفته پیش پیش ایران یک هیات دیپلماتیک را راهی عراق کرد تا زمینه را برای کاهش بحران بررسی کند.
مقام های ایرانی اعلام کردند که هیات مذکور به درخواست نیروهای ائتلاف تحت رهبری آمریکا، اعزام شده بود.
ایران و آمریکا از 25 سال قبل به این سو که 52 تن از دیپلمات ها و کارکنان سفارت آمریکا در تهران به گروگان گرفته شدند، روابط دیپلماتیک نداشته اند.

رویدادهای عراق، دولت آینده و نیروهای موثر در آینده عراق

در درگیریها در فلوجه 9 مهاجم کشته و سه تنگدار آمریکایی زخمی شدند

چهارشنبه 2 اردیبهشت 1383 - 21 آوریل 2004

خبرگزاری فارس: در درگیریهایی که امروز بیش از دو ساعت در فلوجه عراق به طول انجامید، 9 مهاجم کشته و سه سرباز آمریکایی زخمی شدند.
به گزارش خبرگزاری فرانسه از بغداد، بر اساس بیانیه نیروهای ائتلافی، این درگیری ساعت 6:30 صبح چهارشنبه در شمال غربی فلوجه با تیراندازی حدود 20 تا 30 مهاجم به سوی تنگداران آمریکایی با سلاح و آرپی جی آغاز شد.
نیروهای آمریکایی در این درگیری که علیرغم توافق روز دوشنبه بین میانجیگران ائتلافی و غیر نظامی در فلوجه برای ادامه آتش بس صورت گرفت، از هلیکوپترهای کمک گرفتند.

در این بیانیه آمده است: «سرنشینان این هلیکوپتر گزارش کردند که 9 تن از مهاجمان کشته و تعداد نامعلومی زخمی شده‌اند. سه تن از تفنگداران آمریکایی نیز زخمی شدند که دو تن از آنان به خارج از این منطقه منتقل شده‌اند.»

اخضر ابراهیمی فهرستی 100 نفر از شخصیت های دولت آینده عراق را تهیه کرد
خبرگزاری فارس: روزنامه "الوطن" چاپ عربستان سعودی از تهیه لیست 100 نفری از شخصیت های عراق توسط "اخضر ابراهیمی" نماینده ویژه سازمان ملل در عراق جهت حضور در مناصب دولت آینده عراق خبر داد.

الوطن در شماره امروز خود به نقل منابع نزدیک به شورای حکومت انتقالی عراق، نوشت: اخضر ابراهیمی نماینده کوفی عنان دبیر کل سازمان ملل در عراق لیستی را جهت ارائه به سازمان ملل و محافل سیاسی اروپایی تهیه کرده است که این لیست شامل اسامی 100 تن از شخصیت های عراقی است که قرار است در آینده پست های مهم دولت عراق را بر عهده گیرند. به گفته این منابع، افراد این لیست از کسانی بوده اند که از احزاب و گروه های مختلف عراقی جهت شرکت در دولت آینده عراق کاندید شده بودند. براساس این گزارش، سعدی عاصم الجنابی دبیر کل تجمع جمهوری عراق، لیث کبه متفکر و اقتصاد دان معروف عراقی، ایاد جمال الدین یکی از شخصیت های دینی معتدل عراق، فخری کریم شخصیت سیاسی معروف عراق، دکتر الحارث الضاری رئیس هیات علمای مسلمین عراق و قیس العزاوی نماینده جناح ملی عراق در لیست 100 نفری اخضر ابراهیمی قرار دارند.

چهار سرباز انگلیسی در انفجار امروز در جنوب عراق زخمی شدند
خبرگزاری فارس: چهار سرباز انگلیسی در انفجار امروز در «زبیر» در جنوب عراق زخمی شدند که حال دو تن از آنان وخیم است. به گزارش خبرگزاری فرانسه از لندن، یک سخنگوی وزارت دفاع انگلیس با اعلام اینکه این افراد در حال مداوا هستند، گفت: «حال دو تن از آنان وخیم است.» انفجار در زبیر که گفته می شود در یک مرکز آموزش پلیس رخ داد یکی از چهار انفجاری است که امروز جنوب عراق را لرزاند. انفجارهای دیگر در پاسگاه های پلیس در مرکز شهر بصره رخ داد. یک سخنگوی وزارت دفاع انگلیس در لندن گفت سه انفجار در مرکز بصره رخ داده که چهارمی آن در بازداشتگاهی خارج از شهر بوده است.

وی افزود: «تاکنون تلفات عراقیها زیاد بوده است اگرچه من تعداد آنان را نمی دانم.» مقامات محلی اعلام کردند دستکم 61 نفر در حملات به سه پاسگاه پلیس در بصره و یک مرکز آموزش پلیس نزدیک شهر زبیر کشته و دهها تن زخمی شده اند.

دستکم 61 تن در انفجارهای جنوب عراق کشته و 238 تن زخمی شدند
خبرگزاری فارس: در انفجار خودروهای بمبگذاری شده در 3 پاسگاه پلیس بصره و یک مرکز آموزش پلیس در شهر زبیر در حومه بصره، دستکم 61 تن کشته و دهها تن دیگر زخمی شدند. به گزارش خبرگزاری فرانسه از بصره، یکی از مقامات بیمارستانی گفت: «دستکم 55 جسد در سردخانه بیمارستان دانشگاه صدر در مرکز بصره وجود دارد.» یک بیمارستان دیگر نیز گزارش داد که چهار تن کشته و 25 نفر از جمله سه زن و دو کودک زخمی شده اند.

همچنین «حسام حازم آیناجلی»، یک عضو فرمانداری بصره گفت دو نفر دیگر امروز در اثر انفجار در یک مرکز آموزش پلیس در زبیر کشته و شش تن دیگر زخمی شدند. این در حالی است که رویتز از زخمی شدن حدود 238 تن در انفجارهای بصره خبر داد.

در درگیریها در فلوجه 9 مهاجم کشته و سه تفنگدار آمریکایی زخمی شدند

چهارشنبه 2 اردیبهشت 1383 - 21 آوریل 2004

خبرگزاری فارس: در درگیریهایی که امروز بیش از دو ساعت در فلوجه عراق به طول انجامید، 9 مهاجم کشته و سه سرباز آمریکایی زخمی شدند.

به گزارش خبرگزاری فرانسه از بغداد، بر اساس بیانیه نیروهای ائتلافی، این درگیری ساعت 6:30 صبح چهارشنبه در شمال غربی فلوجه با تیراندازی حدود 20 تا 30 مهاجم به سوی تفنگداران آمریکایی با سلاح و آرمیچی آغاز شد.

نیروهای آمریکایی در این درگیری که علیرغم توافق روز دوشنبه بین میانجیگران ائتلافی و غیر نظامی در فلوجه برای ادامه آتش بس صورت گرفت، از هلیکوپترهای کمک گرفتند.

در این بیانیه آمده است: «سرنشینان این هلیکوپتر گزارش کردند که 9 تن از مهاجمان کشته و تعداد نامعلومی زخمی شده‌اند. سه تن از تفنگداران آمریکایی نیز زخمی شدند که دو تن از آنان به خارج از این منطقه منتقل شده‌اند.»

اخضر ابراهیمی فهرستی 100 نفر از شخصیت های دولت آینده عراق را تهیه کرد
خبرگزاری فارس: روزنامه "الوطن" چاپ عربستان سعودی از تهیه لیست 100 نفری از شخصیت های عراق توسط "اخضر ابراهیمی" نماینده ویژه سازمان ملل در عراق جهت حضور در مناصب دولت آینده عراق خبر داد.

الوطن در شماره امروز خود به نقل منابع نزيك به شوراي حكومت انتقالی عراق، نوشت: اخضر ابراهيمي نماينده كوفي عنان دبیر كل سازمان ملل در عراق لیستی را جهت ارائه به سازمان ملل و محافل سیاسی اروپایی تهیه کرده است که این لیست شامل اسامی 100 تن از شخصیت های عراقی است که قرار است در آینده پست های مهم دولت عراق را بر عهده گیرند. به گفته این منابع، افراد این لیست از کسانی بوده اند که از احزاب و گروه های مختلف عراقی جهت شرکت در دولت آینده عراق کاندید شده بودند.

براساس این گزارش، سعدی عاصم الجنایبی دبیر كل تجمع جمهوری عراق، لیث کبه متفکر و اقتصاد دان معروف عراقی، ایاد جمال الدین یکی از شخصیت های دینی معتدل عراق، فخری کریم شخصیت سیاسی معروف عراق، دکتر الحارث الضاری رئیس هیات علمی مسلمین عراق و قیس العزاوی نماینده جناح ملی عراق در لیست 100 نفری اخضر ابراهيمي قرار دارند.

چهار سرباز انگلیسی در انفجار امروز در جنوب عراق زخمی شدند

خبرگزاری فارس: چهار سرباز انگلیسی در انفجار امروز در «زبیر» در جنوب عراق زخمی شدند که حال دو تن از آنان وخیم است.

به گزارش خبرگزاری فرانسه از لندن، یک سخنگوی وزارت دفاع انگلیس با اعلام اینکه این افراد در حال مداوا هستند، گفت: «حال دو تن از آنان وخیم است.»

انفجار در زبیر که گفته می شود در یک مرکز آموزش پلیس رخ داد یکی از چهار انفجاری است که امروز جنوب عراق را لرزاند.

انفجارهای دیگر در پاسگاه های پلیس در مرکز شهر بصره رخ داد.

یک سخنگوی وزارت دفاع انگلیس در لندن گفت سه انفجار در مرکز بصره رخ داده که چهارمی آن در بازداشتگاهی خارج از شهر بوده است.

وی افزود: «تاکنون تلفات عراقیها زیاد بوده است اگرچه من تعداد آنان را نمی دانم.»

مقامات محلی اعلام کردند دستکم 61 نفر در حملات به سه پاسگاه پلیس در بصره و یک مرکز آموزش پلیس نزیك شهر زبیر کشته و دهها تن زخمی شده اند.

دستکم 61 تن در انفجارهای جنوب عراق کشته و 238 تن زخمی شدند

خبرگزاری فارس: در انفجار خودروهای بمبگذاری شده در 3 پاسگاه پلیس بصره و یک مرکز آموزش پلیس در شهر زبیر در حومه بصره، دستکم 61 تن کشته و دهها تن دیگر زخمی شدند.

به گزارش خبرگزاری فرانسه از بصره، یکی از مقامات بیمارستانی گفت: «دستکم 55 جسد در سردخانه بیمارستان دانشگاه صدر در مرکز بصره وجود دارد.»

یک بیمارستان دیگر نیز گزارش داد که چهار تن کشته و 25 نفر از جمله سه زن و دو کودک زخمی شده اند.

همچنین «حسام حازم آیناجلی»، یک عضو فرمانداری بصره گفت دو نفر دیگر امروز در اثر انفجار در یک مرکز آموزش پلیس در زبیر کشته و شش تن دیگر زخمی شدند.

این در حالی است که رویترا از زخمی شدن حدود 238 تن در انفجارهای بصره خبر داد.

وزارت خارجه دانمارک امروز (چهارشنبه) اعلام کرد که جنازه ی یک بازرگان دانمارکی که در عراق ربوده شده بود، پیدا شده است.

به گزارش خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا) به نقل از خبرگزاری رویترا، در بیانیه ی وزارت خارجه ی دانمارک آمده است: هنوز دلیل کشته شدن این فرد یا عاملان آن مشخص نیست.

خبر مفقود شدن این بازرگان دانمارکی، یازدهم آوریل منتشر شد.

دانمارک نزیك به 500 نیرو در عراق دارد.

پایگاه اینترنتی ایلاف از تعیین رییس دادگاه محاکمه ی صدام و معاونین و قضات این دادگاه خبر داد.

چهارشنبه 2 اردیبهشت 1383 - 21 آوریل 2004

به گزارش خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا)، انتفاض قنبر، سخنگوی رسمی کنگره ی ملی عراق که در یک کنفرانس خبری در بغداد سخن می گفت، اظهار داشت: سالم چلبی به عنوان رییس دادگاه محاکمه ی صدام به همراه هفت قاضی دیگر و پنج مدعی عام تعیین شده اند.

وی افزود: محل محاکمه صدام و میزان مبلغ اختصاصی برای این محاکمه نیز تعیین شده است.

پایگاه اینترنتی ایلاف نوشت: اعلام تعیین مکان و نیز قضات مسوول دادگاه محاکمه ی صدام در حالی انجام می گیرد که صدام تاکنون همچنان در یک زندان سری به سر می برد و برخی اخبار حکایت از آن دارد که مقامات مسوول آمریکا صدام را از یک پایگاه نظامی در عراق به مرکز نیروهای آمریکایی در قطر منتقل کردند؛ اما دولت آمریکا این اخبار انتشار یافته را تکذیب کرده است و همچنان اصرار دارد که صدام در عراق و در یک دادگاه عراقی محاکمه خواهد شد.

عراق، قضات و دادستان هایی را که قرار است محاکمه ی صدام را بر عهده داشته باشند، انتخاب کرده است؛ اما هویت این افراد به دلایل امنیتی و نگرانی از اینکه حامیان صدام در پی کشتن آنها برآیند، مسکوت گذاشته شده است.

به گزارش خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا) به نقل از خبرگزاری رویتر، سالم چلبی وکیل تحصیل کرده‌ی آمریکا و مسوول محاکمه‌ی صدام، در این رابطه اظهار داشت: هفت قاضی و پنج دادستان این محاکمه را بر عهده خواهند داشت.

چلبی که از جانب حامیان صدام تهدید به مرگ شده است، اظهار داشت: به دلایل امنیتی از ذکر نام این افراد خودداری می‌شود.

به عقیده‌ی وی، وضعیت صدام به عنوان زندانی جنگی تا قبل از آغاز محاکمه‌ی وی تغییر خواهد کرد. چلبی گفت: به تصور من دادستان‌ها مجازات مرگ را برای صدام و دیگر اعضای حزب بعث وی خواستار خواهند شد؛ اما هنوز بسیار زود است که بگوییم چه زمانی صدام که متهم به دستور انجام حملات شیمیایی کرده‌ها نیز می‌باشد، محاکمه‌ی نهایی می‌شود.

وی افزود: ما هنوز در روند آغاز تحقیقات هستیم.

بسیاری از عراقی‌ها خواهان محاکمه‌ی تعدادی از مقام‌های سابق آمریکا به دلیل حمایت از صدام هستند. آمریکا در جنگ ایران - عراق در دهه‌ی 80 از صدام حمایت می‌کرده است و در آن زمان وی دستور حمله‌ی شیمیایی به دهکده‌ی حلبچه که منجر به کشته شدن پنج هزار کرد شد را صادر کرد. **پایگاه اینترنتی ایلاف از تعیین رییس دادگاه محاکمه‌ی صدام و معاونین و قضات این دادگاه خبر داد.**

چهارشنبه 2 اردیبهشت 1383 - 21 آوریل 2004

به گزارش خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا)، انتفاض قنبر، سخنگوی رسمی کنگره‌ی ملی عراق که در یک کنفرانس خبری در بغداد سخن می‌گفت، اظهار داشت: سالم چلبی به عنوان رییس دادگاه محاکمه‌ی صدام به همراه هفت قاضی دیگر و پنج مدعی عام تعیین شده‌اند.

وی افزود: محل محاکمه صدام و میزان مبلغ اختصاصی برای این محاکمه نیز تعیین شده است.

پایگاه اینترنتی ایلاف نوشت: اعلام تعیین مکان و نیز قضات مسوول دادگاه محاکمه‌ی صدام در حالی انجام می‌گیرد که صدام تاکنون همچنان در یک زندان سری به سر می‌برد و برخی اخبار حکایت از آن دارد که مقامات مسوول آمریکا صدام را از یک پایگاه نظامی در عراق به مرکز نیروهای آمریکایی در قطر منتقل کردند؛ اما دولت آمریکا این اخبار انتشار یافته را تکذیب کرده است و همچنان اصرار دارد که صدام در عراق و در یک دادگاه عراقی محاکمه خواهد شد.

عراق، قضات و دادستان‌هایی را که قرار است محاکمه‌ی صدام را بر عهده داشته باشند، انتخاب کرده است؛ اما هویت این افراد به دلایل امنیتی و نگرانی از اینکه حامیان صدام در پی کشتن آنها برآیند، مسکوت گذاشته شده است.

به گزارش خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا) به نقل از خبرگزاری رویتر، سالم چلبی وکیل تحصیل کرده‌ی آمریکا و مسوول محاکمه‌ی صدام، در این رابطه اظهار داشت: هفت قاضی و پنج دادستان این محاکمه را بر عهده خواهند داشت.

چلبی که از جانب حامیان صدام تهدید به مرگ شده است، اظهار داشت: به دلایل امنیتی از ذکر نام این افراد خودداری می‌شود.

به عقیده‌ی وی، وضعیت صدام به عنوان زندانی جنگی تا قبل از آغاز محاکمه‌ی وی تغییر خواهد کرد. چلبی گفت: به تصور من دادستان‌ها مجازات مرگ را برای صدام و دیگر اعضای حزب بعث وی خواستار خواهند شد؛ اما هنوز بسیار زود است که بگوییم چه زمانی صدام که متهم به دستور انجام حملات شیمیایی کرده‌ها نیز می‌باشد، محاکمه‌ی نهایی می‌شود.

وی افزود: ما هنوز در روند آغاز تحقیقات هستیم.

بسیاری از عراقی‌ها خواهان محاکمه‌ی تعدادی از مقام‌های سابق آمریکا به دلیل حمایت از صدام هستند. آمریکا در جنگ ایران - عراق در دهه‌ی 80 از صدام حمایت می‌کرده است و در آن زمان وی دستور حمله‌ی شیمیایی به دهکده‌ی حلبچه که منجر به کشته شدن پنج هزار کرد شد را صادر کرد.

شیعیان و آینده عراق - حکومت عرفی یا مذهبی

پرونده‌های ناگشوده جنایات و رازهای مقتدی صدر

آیا آمریکائیان در گشودن این پرونده‌ها

اقدام می‌کنند؟

دمشق _ سوریه: علی ابو حسین کاظمی

ایران امروز - چهارشنبه 2 اردیبهشت 1383 - 21 آوریل 2004

در یکی از خیابان‌های فرعی و دنج بغداد قهوه خانه‌ای بسیار قدیمی است که از دست ماموران صدام و اقدام آنان در بستن تمامی قهوه خانه‌ها قصر در رفته و با رعایت تمامی جوانب خود را سرپا نگاه داشته است و اکنون بدون هیچ دغدغه‌ای به کار خود مشغول است و مشتریان قدیم و جدید خود را دارد.

خوردن یک چای عربی و یک زدن به قلیان یا بقول عرب‌ها نرگله و نیز دیدن قهوه خانه‌ای که آثاری از گذشته‌های دور و حتی دورتر از زمان پادشاهی عراق را در خود دارد انگیزه‌ای ایجاد کرد تا در توقف چند روزه خود در بغداد و علیرغم عدم امنیت به همراه یکی از دوستان غیر بغدادی آن را پیدا کرده و ابتدا از کوزه سفالی آب به رسم عراقی‌ها آبی خورده و سپس منتظر چای و قلیان باشم.

قهوه‌خانه همانگونه که شنیدم بود قدیمی بود و جداً به دیدن و دمی آساییدن در آن می‌ارزید که برای یافتنش زحمت بکشی و پرسیان پرسان آن را پیدا کنی. علیرغم هیأت ظاهریمان که به عربها می‌خورد، صورت آفتاب نخورده و نفتیده و نیز لهجه غیر عربیمان اگر در وهله اول طرف را متوجه غیر عراقی بودنمان نمی‌کرد ولی پس از زبان باز کردن به گفتن یکی دو کلمه کاملاً مشخص می‌کرد که سالیانی دراز را در خارج از عراق بسر برده‌ایم و اکنون دوباره به عراق بازگشته‌ایم و اولین سوال طرف مقابل این بود که آیا می‌مانید یا می‌روید و اوضاع که مناسبتر شد بر می‌گردید؟

در همان لحظه ورود حضور يك پیر مرد عراقی که به سبك عراقی‌های قدیم كت و شلوار پوشیده و کراواتی کهنه را بر سینه استوار کرده بود جلب توجه می‌کرد و از همه مشخص‌تر پیراهن بسیار رنگ روشن او بود که یقه‌هایش را رو کت برگردانیده بود.

پیر مرد عراقی که سعی نموده ظاهر خود را بسیار آراسته کند پس از دقایقی که از حضور ما گذشت و با توجه به دوربین عکاسی که در کنارمان داشتیم ما را با خبرنگاران که امروزه در عراق یافت می‌شوند اشتباه گرفته و در نزدیکی ما نشست و بسیار شمرده به جهت آن که می‌داد سخنانش را متوجه نشویم آغاز به صحبت‌ها و تعارفات اولیه کرد و سپس موضوع را به حضور آمریکائی‌ها و اوضاع فعلی عراق کشید و در همان لحظات اولیه متوجه شدم که اصطلاحات و الفاظ سیاسی را بسیار متبحرانه ادا می‌کند و متوجه عمق سخنان و فهم سیاسی‌اش گردیدم.

پیر مرد که بسیار مخالف صدام و بیشتر از آن، خوشحال از کم شدن شرش از سر مردم عراق بود با تاسفی آشکار از امکان پدید آمدن خشونت توسط تازه به دوران رسیده‌های مذهبی و سیاسی ابراز نگرانی می‌کرد.

آن هنگام مقتدی صدر هنوز آغاز به فتنه‌گریهای گسترده نکرده و چیش المهدی خود را آشکارا اذن استفاده از اسلحه و زور نداده بود ولی مزاحمت‌های او برای آیه‌الله علی سیستانی و بلند پروازی‌هایش افراد و محافل را متوجه خود کرده بود.

پیر مرد می‌گفت: این جوان خام که پدرش نیز عملش را بر تندروی در زمان صدام بنا نهاده بود و همین دستش را باز کرد و اسناد ارتباطش با حزب بعث پس از رفتن صدام به دست آمد، معلوم نیست از کجا درس می‌گیرد که بسیار حساب شده پنهان و آشکار بر نقاطی دست می‌گذارد که آینده عراق را تهدید می‌کند و البته شاید پیر مرد چیزهای بیشتری در این رابطه میدانست ولی از گفتن آن امتناع می‌کرد. او می‌گفت: مقتدی بصورت بسیار ماهرانه‌ای میداند و یا به او یاد داده‌اند که از احساسات جوانان شیعه عراق که به تازگی امکان بروز یافته و فضای آزاد فعلی امکان بروز را به آنان داده چگونه به نفع اهداف خود استفاده کند و خود را مانند يك امام راستین شیعه و یا نجات دهنده موعود در نزد جوانان خام و احساساتی معرفی نماید.

پیر مرد می‌گفت: مقتدی صدر در ابتدا می‌خواهد در بین شیعیان عراق صحنه را برای خود خالی کند و لذا ابتدا با توسل به ایرانی بودن سیستانی حمله به وی را آغاز نمود چه این که هرچه نباشد سیستانی در عراق و بلکه جهان عرب مرجع اول دینی شیعیان است و با وجود او مقتدی نمیتواند به اهداف خود برسد بنابراین می‌بایست ابتدا او را از صحنه خارج و یا وی را بصورت غیر فعال خانه نشین نماید و حداقل اینکه ارتباط وی را مردم را به کمترین حد ممکن برساند و البته علاقه و گرایش سیستانی در غیرسیاسی بودن و دخالت نکردن در سیاست و همچنین اعتقاد راسخ به جدائی دین از سیاست نیز به مقتدی صدر کمک ارزنده‌ای می‌کند.

در گام دیگر سید محمدباقر حکیم که هم حزب سیاسی داشت و نیروی مسلح و هم نفوذ سیاسی و مذهبی در بین عراقی‌ها داشت و هم سابقه‌ای طولانی در مبارزه سیاسی (که از عمر مقتدی هم بیشتر بود) و هم نماز جمعه اول نجف را در صحن امام علی برگزار می‌کرد به ناگهان از صحنه خارج شد و این نیز کمکی بود به مقتدی که هنوز مقاصد اصلی خود را آشکار نساخته بود. بنا بر این مشخص می‌شود هرکسی که از لحاظ سیاسی یا خانوادگی در عراق نفوذی داشته باشد و این نفوذ رنگ و جلوه مذهبی هم داشته باشد باید ابتدا به کناری رود تا راه برای مقتدای جوان و آتشین مزاج فراهم گردد.

اما جالبترین سخن پیرمرد که برایم تازگی داشت و از کسی نشنیده بودم انگشت گذاردن بر دو قضیه بود که این دو قضیه ضمن ارتباط تنگاتنگ شان با هم در ادامه سخنان و تحلیل‌های فوق بود. اول این که پیرمرد معتقد بود:

در عراق سرشناس‌ترین فرد و قدیمی‌ترین چهره مذهبی و تاحدودی سیاسی شیعه مرحوم دکتر شیخ احمد وائلی خطیب و سخنران برجسته عراقی‌الاصل بود (به همراه سید محمد بحر العلوم عضو فعلی شورای حکومت انتقالی عراق که این دومی وجه سیاسی‌اش بر مذهبی‌اش برتری داشت و بعنوان یکی از قدیمی‌ترین معارضان سیاسی صدام که از خاندانی مذهبی و قدیمی و ریشه‌دار در عراق بود شناخته می‌شد که به صورت مستقل عمل می‌کرد و دارای حزب سیاسی و گروه مسلح نیز نبود) که وی را پیر و جوان و سنی و شیعه می‌شناسند و این چهل ساله اخیر را با او سر کرده بودند و علیرغم اینکه به عنوان مخالفی آرام و بدون فعالیت متعارف سیاسی در خارج از عراق زندگی می‌کرد ولی نوارها و سخنرانی‌هایش را گوش فرا می‌دادند و با تعریف وی از اسلام مسالمت‌آمیز و مسالمت‌جو و منطقی که خود را از حرکات بنیادگرایانه دور نگه می‌دارد آشنا می‌شدند و از همین جا نیز به دست‌آویز بودن اسلام وهابیگری و بن‌لادنی و طالبانی و امثال آن نیز پی می‌بردند.

البته جنبه دیگر فعالیت‌های وائلی خدمات اجتماعی و مالی وی به پناهندگان و مهاجرین عراقی در

سوریه و دیگر کشورهای عربی و اروپا و کانادا و نیز تالیفات و فعالیت‌های فرهنگی - مذهبی‌اش بود که از او چهره‌ای شناخته شده و دوستی داشتنی ساخته بود. پیر مرد می‌گفت: عراقی‌ها سالیان دراز در آرزوی بازگشت وائلی بودند تا مستقیماً و رو در رو پای منبر خطابه‌اش بنشینند و با تکان دادن سر استدلال‌ها و سخنان او را حضوراً تایید کنند و قرائت رحمانی او از مذهب شیعه را بشنوند و در هنگام مرثیه خوانیش با صدای گرم و سبک عربی او هم‌نوا شوند. عراقی‌ها چنان شیفته قرائت رحمانی و مستدل وائلی از دین هستند که او را زبان گویای شیعیان دانسته و حتی با افتخار عدم سفر او به ایران را پس از انقلاب نیز تاییدی بر گریزان بودن وائلی از تندروی و بنیادگرایی میدانند و معتقدند که وائلی بجهت آن که ناگزیر به دیدار از آیه‌الله خمینی و خامنه‌ای نشود و این دیدار را تاییدی بر آنان نداند از سفر رسمی به ایران علیرغم دعوت‌های بیشمار گروه‌های مختلف و دوستان و طرفدارانش امتناع ورزیده است. از جانبی وائلی نیز بی‌صبرانه منتظر بازگشت به عراق بود تا شاید بتواند یکبار دیگر در صحن امام علی و امام حسین بر منبر رود و خطبه بخواند. هرچند که بیماری اخیر او و کهولت سن، وی را از منبر و خطابه دور کرده بود. این آرزویی بود که هیچگاه رنگ واقعیت نیافت. هر چند حضور او در عراق قطعاً میتوانست بسیار موثر واقع شود.

پیر مرد ادامه داد: وائلی گویا خود خبر و تحلیل دقیق از اوضاع عراق داشت که سعی در پنهان نمودن سفر خود نمود و تقریباً پنهانی وارد عراق شد ولی هیچگاه کسی علت فوت ناگهانی او را جویا نشد و این احتمال را نداد کسانی از سفر او به عراق خبر داشته و او را به شیوه‌ای مسموم نموده‌اند تا دکتر وائلی به عنوان يك شخص متنفع و محبوب و بلکه محبوب‌ترین و متنفع‌ترین شخصیت شیعه عراقی نتواند در این موقعیت تاریخی در عراق استقرار یابد و در پایه گذاری عراق نوین تلاش کرده و از نفوذ خود بهره ببرد و نیز حاصل سالها تلاش و کوشش خود و دیگران را نظاره کند. به یقین برداشتن او از میانه هم به سود گروه‌های تندرو شیعه نظیر مقتدی صدر بود و هم به نفع سنی‌های متعصب عرب عراق که در حال از دست دادن قدرت مطلقه و طولانی خود هستند و به یقین تحمل پذیرش شخصیتی را که بتواند جهت گیری‌ها را انسجام بخشد ندارند.

اعتقاد راسخ به مشکوک بودن درگذشت وائلی در بدو ورود به عراق به نظر او پرونده‌ای قابل بررسی است که می‌بایست در کنار قتل فجیع سید عبدالمجید خویی و سید محمد باقر حکیم مورد بررسی و دقت نظر قرار گیرد.

دوم این که پیر مرد سخن جدید دیگری را نیز به میان کشید و می‌گفت: با توجه به این تفصیل چرا شیخ فاضل مالکی که او نیز عراقی الاصل است و سخنرانی زبده می‌باشد و از معارضین صدام بوده و عراقی‌ها او را می‌شناسند از آمدن به عراق اجتناب می‌ورزد و در بازگشت به وطن تاخیر می‌کند؟ در حالی که سخن از نفوذ خود در میان قبایل عراق به میان می‌آورد و نقش خود را در صورت مناسب بودن شرایط عمده می‌شمارد. منظور او از مناسب بودن شرایط چیست؟ آیا او نیز خود را بازیگری موفق در صحنه‌ای خالی شده از اغیار می‌داند؟ آیا او را نیز دورا دور پیوندی با اوضاع حالیه عراق نیست؟ حمله‌های هر چند ملایم او به آقای سیستانی از کجا سرچشمه می‌گیرد؟ سکوت او در قبال تکرورهای و تند روی‌های بنیان برانداز مقتدی صدر در عراق از چه روست؟

سخنان پیر مرد ادامه داشت و در بین این سخنان رابطه‌ای را برقرار می‌نمود و محکم و با تأسف از آن دفاع می‌کرد. ما اما در آن هنگام به عمق سخنان او پی نبردیم. شرایط به گونه‌ای پیش رفت که مقتدی صدر گو اینکه کلیت و حتی اکثریت شیعه نجف و بزرگان آن دیار او را تایید نکرده و با او همراهی نمی‌کنند ولی کسی را نیز از هراس اطرافیان ناشناخته و متهم به بعثی‌اش جرات مخالفت با او نیست و مقتدی در دیار علی و حسین جسورانه بر اماکن مقدسه یورش می‌برد و به نزورات و وجوهات و موقوفات آن جا دست اندازی می‌کند تا هزینه اعمال تروریستی خود و لشکرش را فراهم سازد. دلم می‌خواهد باز به بغداد بروم و در آن قهوه خانه منتظر آن پیر مرد بنشینم و سخنان او را دوباره و این بار با دقتی بیشتر گوش فرا دهم و ببینم اکنون صفحه بازی عراق را به عنوان کلید احتمالی آرامش خاورمیانه چگونه می‌بیند و مهره چینی آن را چگونه بیان می‌دارد.

20 آپریل 2004

دمشق - سوریه: علی ابو حسین کاظمی

**

مقتدا صدر کیست؟

چهارشنبه 2 اردیبهشت 1383 - 21 آوریل 2004

خبرگزاری فارس: «مقتدا صدر»، 31 ساله پسر آیت‌الله محمد صادق صدر، یکی از روحانیون شیعه بانفوذ در عراق در اواخر دهه 1990 است.

به گزارش گروه بین‌الملل خبرگزاری فارس، عموی وی آیت‌الله محمد باقر الصدر، یکی از رهبران فعال شیعه پیش از اعدام توسط نیروهای بعثی در سال 1980 بود.

صدر در ماه فوریه 1999 پس از يك رشته عملیات مسلحانه از سوی عاملان صدام که پدر و دو برادرش در جریان آن کشته شدند، مخفی شد.

وی پس از پدرش مدارس مذهبی و موسسات خیریه را که توسط وی بنا شده بودند، به ارث برد. صدر پس از اشغال عراق توسط آمریکا خواستار خروج نیروهای اشغالگر از عراق شد و از شیعیان

خواست با آنان همکاری نکنند.

برخی کارشناسان عراقی اعلام کرده‌اند که وی در صدد ایجاد یک حکومت اسلامی در این کشور است و این در حالی است که آیت‌الله سیستانی از مردم‌سالاری اسلامی حمایت می‌کند.

صدر پیش از بسته شدن هفته‌نامه «الحوزه» وابسته به وی توسط نیروهای آمریکایی، خواستار مقاومت بدون استفاده از خشونت شده بود.

اما با اقدام آمریکا در بستن این هفته‌نامه موجی از ناآرامی‌هایی که به نظر می‌رسد آتشی زیر خاکستر بود، توسط طرفداران صدر برپا شد.

صدر با ایجاد ارتش المهدی که گفته می‌شود دارای 10 هزار نیرو است به حمایت از جنبش سیاسی خود پرداخت؛ بسیاری از طرفداران صدر در شهرک صدر به سر می‌برند که در آن دو میلیون نفر زندگی می‌کنند؛ این شهرک پیش از سقوط رژیم بعث، شهرک صدام نام داشت.

به گزارش گروه بحران‌های بین‌المللی آمریکا، پس از سقوط صدام طرفداران مقتدا صدر کنترل بسیاری از جنبه‌های زندگی در شهرک صدر را از جمله معرفی روحانیون به مساجد، نگهبانی از بیمارستانها، جمع کردن زباله‌ها، نگهداری از یتیمان به عهده گرفتند.

مقتدا صدر خود نیز همانند بسیاری دیگر از علمای شیعه در شهر نجف که حرم مطهر امام علی (ع) در آن قرار دارد، زندگی می‌کند.

روز سوم آوریل نیروهای آمریکایی «مصطفی یعقوبی»، یکی از مشاوران ارشد صدر را دستگیر کردند که گفته می‌شود به ارتباط با قتل آیت‌الله سید عبدالمجید خویی، روحانی شیعه عراقی در آوریل سال گذشته متهم است. مقامات اشغالگر صدر را نیز به ارتباط با این قتل متهم می‌کنند.

نگاهی به تحولات عراق نشان می‌دهد طرفداران مقتدا صدر همانطور که آمریکا اعلام کرده است تنها مقصر درگیری‌های اخیر در این کشور نیستند و پیش از آغاز درگیری آنان با نیروهای اشغالگر بارها در خصوص حضور این نیروها هشدار داده بودند و نیروهای آمریکایی نیز پیش از این منجر به عصبانیت مردم عراق شده بودند:

23 مهر 1382: مقتدا صدر از نیروهای ائتلافی خواست تا جدول زمان بندی دقیقی را برای عقب نشینی خود از عراق تعیین کنند.

به گزارش خبرگزاری فرانسه از نجف، مقتدا صدر در یک کنفرانس مطبوعاتی در شهر نجف گفت: «به نیروهای ائتلافی توصیه می‌کنم که قبل از هرچیز یک جدول زمان بندی برای عقب نشینی خود از عراق تعیین کنند.»

صدر گفت نیروهای تحت امر وی با نیروهای اشغالگر درگیر نخواهند شد.

30 مهر 1382: نیروهای آمریکایی شب گذشته در جریان حمله به یک مسجد در شهر مقدس کربلا 38 نفر از طرفداران مقتدا صدر از روحانیون عراق را بازداشت کردند.

هشتم آذر 1382: مقتدا صدر روز گذشته سفر غیرمنتظره و پنهانی جرج بوش رییس جمهوری آمریکا به عراق را محکوم کرد.

به گزارش پایگاه اینترنتی الجزیره، صدر که در خطبه‌های نماز جمعه در مسجد کوفه سخن می‌گفت، اظهار داشت: «این سفر از نظر عقلی و قانونی پذیرفتنی نیست و انجام چنین دیدارهایی باید با اجازه مردم عراق انجام گیرد.»

فروردین 1383: نیروهای آمریکایی روز یکشنبه یک هفته‌نامه متعلق به شیعیان عراق وابسته به «مقتدا صدر»، را بستند.

به گزارش خبرگزاری آسوشیتدپرس از بغداد، نیروهای آمریکایی ادعا می‌کردند مقاله‌هایی که در این هفته‌نامه نوشته می‌شود احتمال ایجاد خشونت علیه نیروهای اشغالگر را افزایش می‌دهد.

این در حالی است که ساعاتی پس از بسته شدن هفته‌نامه «الحوزه» بیش از هزار طرفدار مقتدا صدر تظاهرات آرامی را جلوی دفاتر این نشریه برپا و اعلام کردند این اقدام مغایر آزادی بیان است.

16 فروردین 1383: در درگیری میان نظامیان اشغالگر عراق و طرفداران مقتدا صدر، نزدیک شهر مقدس نجف، چهار سرباز السالوادوری کشته و 9 تن دیگر نیز زخمی شدند.

به گزارش رویتر از مادرید، در این درگیریها دستکم 19 تن از طرفداران صدر کشته و بیش از صد نفر زخمی شدند.

17 فروردین 1383: طرفداران مقتدا صدر، روز گذشته پاسگاه اصلی پلیس اصلی و دیگر ساختمانهای دولتی شهر کوفه را تسخیر کردند.

خبرنگار خبرگزاری فرانسه از کوفه گزارش داد، بعد از آغاز درگیریها بین تظاهر کنندگان و نیروهای اشغالگر در نزدیکی پایگاه نیروهای اسپانیایی در خارج از شهر نجف، شاهد ورود طرفداران مقتدا صدر به نهادهای دولتی کوفه بوده است.

«شیخ فواد الطرifi» رییس دفتر مطبوعاتی صدر در کوفه در این باره گفت: «به منظور حفاظت از ساختمانهای دولتی و پاسگاههای پلیس از دست غارتگران، ارتش المهدی را به این محلها اعزام کردیم.»

وی همچنین خواستار پیوستن نیروهای پلیس به آنها برای برقراری نظم در کوفه شد. همچنین «پل برمر»، حاکم آمریکایی عراق مقتدا صدر را قانون‌شکنی نامید که امنیت این کشور را تهدید می‌کند.

19 فروردین 1383: مقتدا صدر گفت: «قدرت در عراق باید به «انسان‌های شریف» واگذار شود نه کسانی که با نیروهای اشغالگر همکاری می‌کنند.»

به گزارش خبرگزاری فرانسه از نجف، صدر در بیانیه‌ای از «مردم آمریکا خواست تا با همراهی با مردم عراق که تحت ستم رهبران و نیروهای اشغالگر آمریکایی قرار دارند، کمک کنند که قدرت به مردم شریف عراق واگذار شود.»

22 فروردین 1383: طرفداران مقتدا صدر، روحانی شیعه عراقی اعلام کردند آماده آتش‌بس در شهر کربلا به مناسبت اربعین حسینی هستند.

به گزارش خبرگزاری فرانسه از کربلا، شیخ «حمزه الطایبی»، فرمانده نظامی این گروه اعلام کرد: «ما خاتمه همه عملیات نظامی علیه نیروهای لهستانی و بلغاری را تا پایان عزاداری اربعین در نیمه‌شب دوشنبه اعلام می‌کنیم.»

وی تاکید کرد در صورتی این آتش‌بس عملی خواهد شد که نیروهای ائتلافی از حرملهای امام حسین (ع) و حضرت ابوالفضل (ع) در مرکز شهر فاصله گرفته و با گروههای مسلح که برای تامین امنیت و سلامتی زائران در اطراف کربلا مستقر شده‌اند، درگیر نشوند.

26 فروردین 1383: یکی از نمایندگان مقتدا صدر اعلام کرد صدر از وی خواسته است پیشنهاداتی را برای برقراری صلح به مقامات آمریکایی ارائه دهد.

به گزارش خبرگزاری رویتر از بغداد، این در حالی است که حامیان صدر در جنوب و مرکز عراق علیه نیروهای اشغالگر در حال مبارزه هستند.

آمریکا اعلام کرده است که خواستار کشتن یا دستگیری صدر و از بین بردن ارتش وی است و نیروهای بیشتری را به حومه شهر نجف که گفته می‌شود صدر در آن به سر می‌برد، اعزام کرده است.

این در حالی است که صدر در همان روز اعلام کرد همه شروط خود را برای مذاکره با نیروهای اشغالگر عراق پس گرفت و اعلام کرد از دستور عالی‌ترین مرجع شیعیان عراق پیروی خواهد کرد.

28 فروردین 1383: مقتدا صدر با تاکید بر آن که به نیروهای اشغالگر اجازه نمی‌دهیم وارد کوفه شوند، افزود مصالحه با اشغالگران بی‌فایده است.

به گزارش خبرگزاری فرانسه از کوفه، صدر که پس از دو هفته، روز جمعه برای نخستین بار در ملاء عام ظاهر شده بود، در سخنانی آتشین در مسجد اعظم کوفه گفت: «نظامیان اشغالگر در عراق هستند تا این کشور را برای سالیان متمادی اشغال کنند، لذا مصالحه با آنها کارساز نخواهد بود.»

صدر گفت به اشغالگران اجازه نخواهیم داد وارد کوفه و دیگر شهرهای مقدس عراق شوند.

29 فروردین 1383: سخنگوی رسمی گروه مقتدا صدر اعلام کرد، مذاکره با نیروهای اشغالگر به دلیل ترس از حملات احتمالی آمریکا به نجف متوقف شده است.

به گزارش خبرگزاری فرانسه از نجف، «قیس الخزعلي» سخنگوی صدر افزود: «ما به این دلیل مذاکرات خود را با گروه‌های آمریکایی قطع کردیم که گروه مذاکره کننده به ما خبر داد که آمریکایی‌ها در مذاکرات برای رسیدن به راه‌حلهای مناسب مانع تراشی می‌کنند.»

وی گفت: «ما هر لحظه منتظر حمله نیروهای آمریکایی به نجف هستیم.»

تحلیل اوضاع ایران و عراق در رسانه های جمعی

روزنامه های تهران: 2 اردیبهشت

بی بی سی - چهارشنبه 2 اردیبهشت 1383 - 21 آوریل 2004

روزنامه های چهارشنبه تهران که بعد از دو روز تعطیلی منتشر شده اند کنار گذاشته شدن وزیر اقتصاد و دارائی، استعفای بهزاد نبوی و ناکام ماندن مأموریت میانجی‌گرانه ایران در عراق را به عنوان مهم‌ترین اخبار خود منعکس کرده و درباره آن به تحلیل پرداخته‌اند.

کنار گذاشته شدن طهماسب مظاهری که به نوشته روزنامه **کیهان** تا آخرین لحظه از تغییر خود خبری نداشت، به نوشته روزنامه **ایران** از بسته شدن پرونده ترمیم کابینه در آستانه شروع به کار مجلس تازه خبر می‌دهد اما روزنامه های هوادار محافظه کار نارضایتی خود را از آن اعلام داشته‌اند.

کیهان در عنوان اول خود ضمن ستایش از وزیر کنار رفته پرسیده که این تغییر به نفع مردم بوده است و یا جبهه مشارکت؟

دنیای اقتصاد در سرمقاله خود علت اصلی کنار گذاشته شدن وزیر اقتصاد را اختلاف وی با رییس سازمان برنامه ریزی بر سر شفاف‌سازی عملکرد شرکت‌های دولتی، و اصلاحات بانکی و مالیاتی، موضع‌گیری‌های تند در قبال برخی فشارها از جمله دادن تضمین‌های بیشتر به سرمایه‌گذاران بی-او-تی، آرایه گزارش در خصوص مفاسد اقتصادی، و پاره‌ای عزل و نصب‌ها دانسته.

علی میرزاخانی در سرمقاله **دنیای اقتصاد** نوشته با نزدیک شدن زمان برگزاری انتخابات ریاست جمهوری، مصلحت اندیشی سیاسی حکم می‌کند که دولت سرکیسه را شل کند و برای فراهم کردن رضایت کوتاه مدت مردم اصلاحات ساختاری بلندمدت به همراه انضباط مالی را فراموش کند.

انتخاب با عنوان "تغییراتی بر خلاف انتظار" نارضایتی محافظه کاران را از تغییر وزیر اقتصاد کابینه محمد خاتمی نشان داده و نوشته در افکار عمومی احتمال تغییر رییس سازمان برنامه ریزی بیش تر بود.

حیات نو اقتصادی این سؤال را مطرح کرده که تغییر وزیر اقتصاد و دارائی استراتژی و یا تاکتیکی بوده است که دولت یک ماه قبل از روبرو شدن با مجلسی که اکثریت آن را مخالفان اصلاحات به عهده دارند در پیش گرفته است.

محمد مهاجری در سرمقاله **کیهان** با انتقاد از کنار گذاشته شدن طهماسب مظاهری و باقی ماندن محمد ستاری فر در راس سازمان برنامه نوشته آیا به این ترتیب می توان حکم کرد که قرار نیست، نگاه معطوف به رضایتمندی مردم، بر تیم اقتصادی دولت، سایه افکند؟ و آیا می توان این سخن یأس آمیز را بر زبان آورد که به خیر این دولت در یکسال آینده امیدی نیست؟

نویسنده سرمقاله **کیهان** در پایان لیه تیز حمله خود را متوجه رئیس جمهور خاتمی کرده و نوشته شعار زیبای حفظ کرامت انسانی وقتی که برکناری وزیری چند ساعت زودتر به او اطلاع داده نمی شود تا مایه خجلت او نگردد، چگونه باور کردنی است؟

آفتاب یزد با عنوان "حاجی و ستاری فر ماندنی شدند" خبر داده که با اعلام تغییرات داستان ترمیم کابینه پایان یافت اما **کیهان** در خبر بلندی در انعکاس مخالفت ها درباره تغییر مظاهری نوشته در سه روز آینده ستاری فر هم از جمع مسوولان دولتی خارج می شود.

کیهان مخالفت با تغییر وزیر اقتصادی کابینه را تا آن جا پیش برده که در ستون اخبار ویژه خود با اشاره به خبری که منبع آن را افشا نکرده، ادعا کرده که برکناری مظاهری خواست شهرام جزایری بود که به اتهام تخلف های مالی و رشوه دادن به مقامات محاکمه و زندانی شده است.

استعفای بهزاد نبوی از نمایندگی مجلس در صفحه اول همه روزنامه های چهارشنبه به خبری مهم تبدیل شده است.

کیهان که در روزهای گذشته پیش بینی کرده بود که استعفای نمایندگان نمایشی و شوخی است و از جمله بهزاد نبوی کرسی نایب ریسی مجلس را رها نخواهد کرد با انعکاس خبر مختصری درباره تصویب این استعفا در مجلس از زبان عده ای از نمایندگان آن را بی اهمیت خوانده است.

شرق که استعفای نایب رییس مجلس را در صدر اخبار خود آورده و سرمقاله ای به امضای محمد قوچانی سردبیر روزنامه را به آن اختصاص داده در یک مصاحبه ای نظرات بهزاد نبوی را پس از استعفا از نمایندگی مجلس منعکس کرده است.

خبرنگار **شرق** از بهزاد نبوی پرسیده آیا همچنان برای به دست گرفتن قدرت از طرق دموکراتیک در چارچوب جمهوری اسلامی تلاش می کند؟

نایب رییس مستعفی مجلس به **شرق** پاسخ داده است که راه دیگری را نمی شناسیم. نه امید به معجزه داریم، نه می خواهیم به اتکای خارج کشور اصلاح شود، به حرکت انقلابی هم نه اعتقاد داریم و نه آن را میسر می دانیم. ساکت هم نمی نشینیم و بالطبع مشی کنونی را ادامه می دهیم.

نبوی که از وی به عنوان نظریه پرداز اصلاحات و چریک پیر یاد می شود، در مصاحبه با **شرق** گفته است عده ای می گویند چرا از روز اول با استعفا و تحسن، اعتراض نکردیم سخنانم موقع طرح استعفا پاسخ به این دو انتقاد بود و گفتم اصلاحات شکست نخورده است.

به نوشته بدرالسادات مفیدی در **شرق** استعفای بهزاد نبوی یک خداحافظی طولانی، طولانی تر از خداحافظی نمایندگان مستعفی قبلی است اما وقتی می رفت به خنده به خبرنگاران گفت: می روم و دیگر پام را در این مجلس نمی گذارم! اما این یک شوخی بیش نبود.

اعتماد در گزارش اصلی خود به بررسی علت ناکامی ماموریت میانجی گرانه ایران در عراق پرداخته و از زبان کارشناسان غربی نوشته تردیدهای زیادی در مورد قدرت واقعی ایران در این کشور ایجاد شده است چرا که تیم وزارت امور خارجه ایران در حالی به تهران بازگشت که موفق به دیدار با آیت الله سیستانی و مقتدا صدر نشد.

به نوشته **اعتماد** معادله قدرت در مقطع کنونی و در عراق، به نفع آمریکا است و مجلس اعلا تاکنون سیاست حفظ وضع موجود را در پیش گرفته و تمام گروه های شیعه عراقی مجبور به مسامحه هستند. گزارش **اعتماد** نتیجه گیری کرده از آنجا که گروه های سیاسی عراق نمی خواهند موقعیت خود را به خطر اندازند، تاثیرگذاری مستقیم بر این گروه ها نه تنها فایده ای برای ایران نخواهد داشت، بلکه نتیجه معکوس نیز دارد. بنابراین آیا باید ایران مثل ترکیه سیاست سکوت و انتظار را دنبال کند؟

کیهان، **رسالت** و **جمهوری اسلامی** در مقالات خود از سکوت کشورهای اسلامی نسبت به حوادث عراق و ترور رهبر حماس انتقاد کرده اند.

روزنامه **جمهوری اسلامی** با اشاره به ناموفق بودن سفر هیئت اعزامی ایران به عراق از دیدگاه رسانه های غربی، نوشته اظهارات ضد و نقیض وزیر خارجه ایران چند ساعت بعد از سفر هیات ایرانی به عراق، در ناکامی این هیئت موثر بوده است.

جمهوری اسلامی در سرمقاله خود نوشته سکوت و تماشای سران کشورهای اسلامی و حداکثر ابراز تاسف و محکوم کردن خشک و خالی که جز تعارفات معموله دیپلماسی نیست هیچ مشکلی را حل نخواهد کرد.

سرمقاله **جمهوری اسلامی** راه حل مناقشات منطقه ای را در تاکید بر سیاست آیت الله خمینی دانسته که گفته بود "اسرائیل باید از صفحه روزگار محو شود" و نوشته اینک بهترین فرصت برای اجرای این فرمان است.

وقایع اتفاقیه از وخامت وضعیت جسمی سیامک پورزند روزنامه نگار زندانی، خبر داده که وی در بخش مراقبت های ویژه بیمارستان بستری شده و در آن جا ماموران بر بالین وی هستند.

شرق با عنوان بهبود حال سیامک پورزند، گفتگوی خبرنگار خود با خواهر پیر وی را منعکس کرده که گفته است از وخامت حال پورزند با تلفن یکی از زندانیان با خبر شده و تلفن ناشناس دیگری از محل بستری دادن وی خبر داده است.

به گفته مهین پورزند به خبرنگار **شرق** این روزنامه نگار زندانی در آخرین ملاقات نمی توانست راه برود و برای راه رفتن و نشستن، کمکش می کردند. ظاهراً همان روز حالش بد شده و در حالت اغما رفته و پس از آن که اقدامات پزشکی در زندان موثر واقع نشده او را به بیمارستان مدرس برده اند. **کیهان** از ظاهر شدن اشیاء نورانی برای چندمین بار در آسمان شهرستان های گنبد، آزادشهر و رامیان خبر داده و نوشته این اشیاء نورانی هر شب حدود دو ساعت در آسمان جنوب غربی کشور خودنمایی می کند و سپس محو می شود.

هفته پیش شاهدان عینی از دیدن شدن شیء نورانی در آسمان شهرهای شمال شرقی ایران خبر داده بودند.

وقایع اتفاقیه از سه ایرانی و سه جایزه خبر داده و نوشته شیرین عبادی دیپلم افتخار یک دانشگاه کانادایی، ناصر زرافشان جایزه بزرگ انجمن قلم آمریکا و علیرضا جباری عضویت افتخاری انجمن قلم انگلستان را کسب کردند. روزنامه **جمهوری اسلامی** ضمن اشاره طعنه آمیزی به حضور شیرین عبادی در کنار دالائی لاما و اسقف توتو در کانادا از این که وی از ترور شیخ یاسین سخنی نگفته انتقاد کرده و به همین جهت برنده جایزه صلح نوبل سال ۲۰۰۳ را عروسک "کوکی آمریکا" خوانده است.

کوناگون

ما کجا ایستاده ایم

وقایع اتفاقیه - پنجشنبه 3 اردیبهشت 1383 - 22 آوریل 2004

متن زیر خلاصه سخنرانی «جرج شولتز» وزیر امور خارجه اسبق آمریکا در محل کتابخانه کنگره آمریکا ایراد شده است. شولتز سیاستمدار کهنه کاری است که همه او را به خوبی می شناسند. او در این سخنرانی ابتدا به بحث درباره مقوله تروریسم در ابعاد مختلف می پردازد و از کشورهای یاعی و لزوم برخورد با آنها سخن بر زبان می راند و سپس به ارائه راه حل در ارتباط با آن می پردازد. در قسمت بعد وی لزوم جنگ بر ضد عراق را تشریح می کند، به ابهاماتی که در ارتباط با حمله ایالات متحده به عراق وجود دارد پاسخ می دهد و از خاورمیانه و مردم آن و طرح ها و برنامه های ایالات متحده در خاورمیانه جدید سخن می گوید. وی در بخش دیگری از این سخنرانی به بررسی ابعاد مختلف مناقشه میان رژیم صهیونیستی و فلسطینیان پرداخته است و در پایان نیز از فرصت ها و تهدیداتی که در پیش روی جامعه بین الملل قرار دارد سخن می گوید.

منبع: forigen policy

*جورج شولتز، وزیر خارجه اسبق آمریکا

*ترجمه: احسان تقدسی

ما در لحظات مهمی از تاریخ به سر می بریم. عراق و تسلیحاتی که تاکنون پیدا نشده اند به موضوع روز بدل شده اند. از طرف دیگر عملیات نظامی ما دقیقاً در منطقه ای انجام شد که مناقشه و منازعه میان اسرائیل و فلسطینیان و وابستگی خطرناک ما به نفت در آنجا قرار دارد.

مشکل تروریسم

مدت زمان درازی است که ما در حال کشمکش و منازعه با مسأله تروریسم می باشیم. در زمان دولت ریگان من از سیاست تهاجمی و انتقادی نسبت به تروریسم حمایت می کردم من در آن زمان گفتم که تروریسم يك مشکل بزرگ و متفاوت است و ما «نیازمند» اقدامی زورمندانه علیه آن هستیم. خوشبختانه (در آن زمان) رونالد ریگان با نظر من موافق بود اما بسیاری مخالف نظر من بودند. من با نظر کسانی که می گفتند «يك انسان تروریست، دشمن آزادی يك انسان دیگر است» مخالف بودم. هنوز نیز بسیاری از مردم این حرف را تکرار می کنند و (باید بگویم) آنها کاملاً در اشتباه هستند. در آن روزها توجه ما معطوف به چگونگی دفاع در برابر تروریسم بود.

در همین راستا حفاظت بیشتری از سفارتخانه ها صورت می گرفت و اقدامات اطلاعاتی-امنیتی نیز گسترش یافت. ما به تأسیس يك نهاد قانونی برای واداشتن کشورها به پاسخگویی در برابر حملات تروریست ها به آمریکاییان در هر نقطه ای از جهان، اقدام کردیم و با فعالیتهای اطلاعاتی بسیاری از فعالیتهای تروریست ها را عقیم گذاشتیم. اما مشکل آنجا بود که (در آن زمان) ما به درک درستی از دلیل اقدامات تروریست ها دست پیدا نکردیم.

در دهه 1990 میلادی مسأله تروریسم شکل حادثی به خود گرفت. اسامه بن لادن و گروه القاعده کاملاً شناخته شده و مشهور بودند اما ماهیت تهدیدات تروریست ها معلوم نبود و به همین علت نیز تلاش های ما برای مبارزه با آنها مثمرتر نبود. تلاش های دیپلماتیک بدون استفاده چندانی از زور ادامه پیدا کرد برخورد با مسأله تروریسم دارای محدودیتهای قانونی بود و به تروریست ها همانند جنایتکاران نگریسته می شد. تعدادی دستگیر و تعدادی نیز محاکمه شدند. به اعتقاد من در برخورد با تروریسم به دلیل فرآیند تعمدي آن نباید تنها به اقدامات قانونی و طبعاً بلندمدت بسنده کرد و به این ترتیب به تروریست ها فرصت داد تا به راحتی و آزاد روی زمین قدم بزنند.

امروز با نگاهی به کارنامه ربع قرن گذشته تروریسم می‌توان دریافت که هدف حرکت‌های ایدئولوژیک در سراسر جهان نابودی نظام بین‌الملل و همکاری و پیشرفت در جهان می‌باشد. می‌توانیم ترور «انورسادات» در سال 1981 میلادی، بمب‌گذاری در ساختمان مرکز تجارت جهانی در سال 1993 و نابودی کامل ساختمان این سازمان در سال 2001 و بسیاری از حملات تروریستی که در بسیاری از کشورهای دنیا انجام می‌شود را در همین راستا ارزیابی کنیم.

چه باید کرد؟

در ابتدا و پیش از همه ما باید از نظام دولتی، حمایت کنیم. جهان به مدت سه قرن با نظام پادشاهی اداره شد. نظامی که «ممکن بود» خود را جوابگوی شهروندان خویش و مسؤول خوشبختی آنها بداند. در نظام دولتی، دولت‌ها در راه رسیدن به اهداف مشخص با یکدیگر تعامل و همکاری دارند که این همکاری در نهایت به حفظ کشورها و مرزها منجر می‌شود. در این نظام، دولت‌ها ساختار بین‌المللی را در خدمت خویش و به عنوان راهی برای رسیدن به اهداف خویش می‌دانند و نه خود را در خدمت آن. نظام دولتی دچار فرسایش گشته است و تروریست‌ها از این ضعف خوشحال و مسرورند. هیچ نظام جایگزین دیگری که بتواند وظیفه ضروری استقرار یک جامعه قانونمند و منظم، دفاع از آزادی‌های مشروع، فراهم کردن زمینه برای فعالیت‌های اقتصادی و فراهم کردن زمینه برای دفاع همه‌جانبه را انجام دهد، وجود ندارد.

وظیفه خطیر ما دمیدن روحی تازه در کالبد «نظام دولتی» و بازگرداندن آن به شکل اولیه است. تمام دولت‌ها باید برای مبارزه با دشمن مشترک-ترور-به پا خیزند و به توسعه سیاسی و اقتصادی کمک کنند و به این نکته توجه داشته باشند که ساختار جهانی برای مردم آن کشورها فعالیت می‌کند. زمانی که آنها این کار را انجام دادند شایسته احترام و کمک برای موفقیت بیشتر می‌باشند. ما نیازمند یادآوری پیام «نشان رسمی کشور» (عقاب) به خود و دوستانمان می‌باشیم. عقابی که در یک پنجه خود شاخه‌ای زیتون و در پنجه دیگر سبزه تیر دارد. همان طور که «هری ترومن» رئیس جمهور اسبق ایالات متحده در پایان جنگ جهانی دوم گفت، شاخه زیتون در پنجه عقاب نشانگر این است که ایالات متحده همیشه در پی صلح است. اما تیرها در پنجه دیگر عقاب نشانگر آن است که برای دستیابی به صلح مؤثر شما باید قدرتمند باشید و آمادگی استفاده از قدرت را نیز دارا باشید. قدرت و دیپلماسی مکمل یکدیگرند. این دو جایگزین یکدیگر نیستند بلکه تنها مکمل همدیگرند. همانطور که «جورج بوش» در سخنرانی سالانه خود اظهار داشت: «9 ماه گفت‌وگوهای ایالات متحده و انگلیس با دولت لیبی موفقیت آمیز بود در حالی که دوازده سال دیپلماسی با عراق کارساز نبود. در این روند تنها یک چیز مشخص گردید و آن اینکه لازم یک دیپلماسی مؤثر به کار بردن لغتی مؤثر و معتبر یعنی آمریکا است و اکنون هیچ کس شکی در مورد لغت آمریکا ندارد.»

دنیاي متمدن تلاش خود را معطوف به جنگ با تروریسم کرده است. این همان چیزی است که ما اکنون آن را «جنگ بر ضد تروریسم» می‌نامیم. در جنگ، شما هم باید حمله کنید و هم دفاع. در صورت داشتن قدرت فراوان، جنگ پیشگیرانه و بازدارندگی به مراتب مؤثرتر خواهد بود. در صورتی که شما استفاده از عملیات پیشگیرانه را نادیده بگیرید، آن وقت است که قدرت چانه‌زنی را در صحنه سیاست از دست خواهید داد. با توجه به نتایج حملات مهیب تروریست‌ها، ایالات متحده باید برای حمله به تهدیدات ناشناخته آماده باشد و این کار را نباید به لحظه آخر و هنگامی که وقوع حملات قطعی است موکول کند، بلکه باید این کار را پیش از آنکه تروریست‌ها خود را آماده وارد آوردن ضربات جبران‌ناپذیر کنند، انجام دهد.

در طول دهه گذشته کشورهای ناکام «failed state» به مکانی ایده‌آل برای برنامه‌ریزی‌ها و تمرینات تروریست‌ها تبدیل شده‌اند. ممکن است مردم با خود این فکر را بکنند که مثلاً آفریقای استعمار شده توانست استقلال خویش را به دست آورد. ولی بعد از آن چه شد؟ دولت‌های دیکتاتوری پدید آمدند. مثال مشابه دیگر افغانستان است. چه کسانی (پس از خروج شوروی) توانستند حکومت را به دست گیرند؟ اسلام‌گرایان افراطی. آنان از احیای مجدد تمام رسومات و آداب سنتی بر مبنای اسلام بدون هیچ جایگزینی برای دولت سخن بر زبان می‌راندند. آنها بنیادگرانه و وحشیانه با راهی که جهان در حال پیمودن بود مخالفت می‌ورزیدند. ایالات متحده یک نبرد عظیم نظامی را برای از میان برداشتن القاعده و طالبان در سراسر افغانستان به راه انداخت. اکنون ما و متحدانمان می‌کوشیم به افغانستان برای تبدیل شدن به یک کشور واقعی کمک کنیم. هنوز در بسیاری از نقاط دنیا کشورهای وجود دارند که در آنها دولتی وجود ندارد و یا در بعضی از نقاط بعضی کشورها دولت فاقد قدرت هستند. چنین مکانی خطرناک است؛ مکانی که در آن دولت متلاشی شده است. مکان دوم مکانی است که قدرت توسط جنایتکاران، گانگسترها و یا قهرمانان جنگی قبضه شده باشد. یک مثال «صدام حسین بود» مثال دوم «کیم جونگ ایل» در کره شمالی است. آنها قدرت را در یک کشور قبضه می‌کنند تا بتوانند منابع آن را غارت کنند و به ثروت خویش بیفزایند، قوانین دلخواه خویش را پیاده کنند و سلاح‌های خویش را گسترش دهند. آنان برای خویش «حق ویژه» و «مصونیت» در برابر نظام بین‌الملل قائلند. طی دهه‌های متوالی این

آدمکش‌ها به این روند ادامه می‌دادند و رهبران کشورهای دیگر نیز به آنها این اجازه را می‌دادند به همین دلیل است که قضیه صدام حسین و عراق بسیار مهم می‌شود.

لرزم جنگ بر ضد عراق

پس از آنکه صدام حسین پایه‌های حکومت خویش را مستحکم کرد به ایران-یکی از همسایگانش حمله‌ور شد و در این حمله از هیچ جنایتی فروگذار نکرد و از سلاح‌های کشتار جمعی نیز بر ضد غیر نظامیان استفاده کرد. ده سال بعد به کویت-یکی دیگر از همسایگانش حمله‌ور شد. وی در این جنگ نیز جنایات بسیاری را مرتکب گردید. او اقدام به پرتاب موشک به چهار کشور منطقه کرد. این جنگ-عراق و کویت-یک نمونه منحصر به فرد به حساب می‌آید چرا که هدف عراق در این جنگ نابودی کامل کویت و اضافه کردن آن به عنوان استان نوزدهم عراق بود. معمولاً هدف کشور مهاجم در جنگ تصرف بخشی از خاک و یا اشغال نظامی کشور شکست‌خورده در جنگ است اما هدف صدام پاک کردن کویت از روی نقشه جهان بود. این کار توجه جهان را به خود معطوف کرد. به همین دلیل بود که سازمان ملل متحد با اکثریت آرا به عملیات نظامی آمریکا-طوفان صحرا-برای بیرون راندن عراق از کویت رأی داد.

با شکست صدام در سال 1991 میلادی آتش‌بس در منطقه برقرار شد. سپس شورای امنیت به منظور جلوگیری از استفاده صدام از سلاح‌های کشتار جمعی به عراق دستور داد تا سلاح‌های کشتار جمعی خویش را تحویل دهد. روند این کار را به خاطر بیاورید. اگر صدام با بازرسان سازمان ملل همکاری لازم را به عمل می‌آورد، سلاح‌هایش را تحویل می‌داد و به نابودی آنها کمک می‌کرد، این آتش‌بس و توافق صلح به نظام بین‌الملل منتقل می‌شد. اما اگر صدام همکاری لازم را به عمل نمی‌آورد و وظایف خویش در ارتباط با سلاح‌های کشتار جمعی انجام نمی‌داد، آن وقت بود که شورای امنیت سازمان ملل اجازه استفاده از «تمام اهرم‌های فشار را صادر می‌کرد و صدام با دور تازه‌ای از حملات نظامی به رهبری ایالات متحده مواجه می‌شد و صدام در نهایت گزینه دوم را انتخاب کرد.

در اوایل دهه 1990 میلادی بازرسان سازمان ملل مقادیر بسیار زیادی از سلاح‌های کشتار جمعی را در عراق کشف و آنها را نابود کردند. آنها در حال ادامه کار خویش بودند. به محض آنکه فشار بر صدام کاهش می‌یافت همکاری‌های وی نیز کاهش می‌یافت. او تلاش‌هایی را نیز برای ناکام گذاردن جست‌وجوهای بازرسان آغاز کرده بود.

این وضعیت در سال 1998 دیگر غیر قابل تحمل شده بود. صدام عملاً بازرسی‌ها را مختل کرده بود. «بیل کلینتون» رئیس‌جمهور وقت ایالات متحده در ماه فوریه سال 1998 اعلام کرد که با صدام قطعنامه‌های سازمان ملل را اجرا کند و یا خود را آماده مقابله با ارتش ایالات متحده کند. «کوفی عنان» دبیرکل سازمان ملل به عراق پرواز کرد و با وعده مجدد همکاری عراقی بازگشت. اما صدام همکاری نکرد. کنگره آمریکا با اکثریت آرا رأی به استفاده از نیروی نظامی با هدف تغییر رژیم در عراق داد. حتی عراق در این برهه هم علناً قطعنامه‌های شورای امنیت را اجرا نمی‌کرد و به بازرسان اجازه ورود نمی‌داد.

در نوامبر سال 1998 شورای امنیت قطعنامه‌ای را به تصویب رساند که براساس آن عراق را به «نقض آشکار» تمامی قطعنامه‌های سازمان ملل از سال 1991 به بعد متهم می‌کرد.

تصویب این قطعنامه به مفهوم پایان آتش‌بس و آغاز تحرکات برای حمله نظامی علیه عراق بود. کلینتون در ماه دسامبر سال 1998 میلادی دستور حمله به عراق را صادر کرد. اما حمله به عراق پس از چهار روز متوقف شد و دلیل توقف آن هم ظاهراً این بود که کلینتون توانایی رهبری جنگ را به دلیل اتهام وارده به وی در دادگاه نداشت.

به این ترتیب بازرسی‌ها متوقف شد. ایالات متحده از رهبری عملیات کنار کشید. بازرسان گزارش می‌دادند که صدام در پایان سال 1998 میلادی به مقادیر بسیاری از انواع مختلف سلاح‌های کشتار جمعی به خصوص سلاح‌های شیمیایی و بیولوژیک دست پیدا کرده است و این به معنای مسلح کردن موشک‌ها به این سلاح‌ها بود. تمام سرویس‌های اطلاعاتی و امنیتی دنیا با این نظر موافق بودند. اما از آن زمان تا سال گذشته میلادی (که رژیم بعث سقوط کرد)، صدام بدون هرگونه مزاحمتی هر چه خواست با زرادخانه‌های خود انجام داد. نظام بین‌الملل با هوشیاری جلوی این تهدیدات را گرفت اما در تمام سال‌های بین 1998 تا 2002 صدام بر عراق به عنوان یک کشور یاغی فرمانروایی کرد.

جرج بوش در سال 2002 و با توجه به وقایع یازدهم سپتامبر این موضوع را در رأس امور قرار داد و اعلام کرد که صدام باید از قوانین اطاعت کند. کاملاً مشخص بود که دنیا نمی‌تواند عراق را با آن وضعیت به حال خود رها کند. ایالات متحده تصمیم به برخورد با عراق از طریق قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل گرفت.

پس از تلاش‌های طولانی و مشقت‌بار دیپلماتیک در مقر سازمان ملل در نیویورک، شورای امنیت سازمان ملل طی قطعنامه شماره 1441 به صدام آخرین فرصت برای اطاعت از قوانین را داد. هنگامی که در هشتم دسامبر 1998 عراق جوابیه خود به این قطعنامه را منتشر ساخت بر همگان واضح و مبهره گشت که صدام در پی ادامه دادن به این بازی است. در گزارش هزاران صفحه‌ای وی هیچ اشاره‌ای به سلاح‌های کشتار جمعی که بازرسان از وجود آن در سال 1998 خبر داده بودند، نشده بود. ارزیابی بازرسان مورد توافق و قبول همگان بود.

مباحثات و مذاکرات همچنان در سازمان ملل ادامه داشت و این مباحثات هر چه بیشتر انجام می‌شد نتایج کمتری به دنبال داشت. فرانسه به جای اینکه توجه خود را به عراق و صدام معطوف کند می‌کوشید دیگران را مجاب کند تا از این موضوع به عنوان عاملی برای مهار ایالات متحده استفاده کنند. اتخاذ این تصمیم از سوی فرانسه شاید به دلیل آرزوی این کشور در ایفای نقش اساسی در اروپا و دیگر نقاط دنیا بود. در مارس سال 2003 مشخص شد که دیپلماسی فرانسه به دنبال شکاف در ناتو، اتحادیه اروپا و شورای امنیت و شاید دادن این اطمینان به صدام است که با حمله نظامی مواجه نخواهد شد. فرانسه تلاش‌های بی‌ثمری را انجام می‌داد تا نشانه‌هایی از همکاری عراق و همراهی این کشور با قطعنامه‌های سازمان ملل را به همگان اعلام کند. این تلاش‌ها در حالی بود که بیشتر از دویست هزار نفر از سربازان ایالات متحده در پشت مرزهای عراق آماده حمله به این کشور بودند. انتظار فرانسه این بود که ایالات متحده این تعداد نیرو را به مدت نامعینی در پشت مرزهای عراق نگاه دارد تا شاید تلاش‌های فرانسه به جایی برسد. این امر از لحاظ نظامی، سیاسی و مالی غیرممکن بود.

* ما کجا ایستاده‌ایم؟

ما در حال حاضر کجا ایستاده‌ایم؟ برای دانستن این موضوع دانستن نکات زیر ضروری است:

- * برای تعریف کشور باغی هیچ تعریفی روشن‌تر از این وجود ندارد که یک دیکتاتور حکومت را در دست می‌گیرد و آن حکومت را حق انحصاری خویش می‌داند و از این حکومت برای پیشبرد منافع خویش به صورتی که جامعه بین‌المللی را به خطر اندازد و آن را به مبارزه طلبد، استفاده می‌کند.
- * اقدامات قانونی در مورد عراق و صدور 17 قطعنامه در نوع خود کم‌نظیر بود.
- * تمام سرویس‌های امنیتی کشورهای درگیر جنگ عراق و نیز بازرسان سازمان ملل همگی بر این موضوع که عراق دارای سلاح‌های کشتار جمعی است و این سلاح‌ها تهدیدی برای امنیت و صلح بین‌المللی است، اتفاق نظر داشتند.
- * صدام چهار سال بدون هیچ مزاحمتی فرصت داشت تا به سلاح‌های خویش اضافه کند و آنها را پنهان کند.
- * صدام از هر وسیله‌ای برای عدم همکاری و یا توضیح در مورد سلاح‌های خویش سود جست. همین عدم همکاری به خودی خود برای لشگرکشی به عراق کافی است.
- * بوش در هنگام لشگرکشی به عراق اظهار داشت که ما این کار را بر اساس قطعنامه‌های 678 و 687 مصوبه سال 1991 که در آن زمان مبنای حمله به عراق قرار گرفت انجام می‌دهیم. در طول تاریخ سازمان ملل تاکنون هیچ کشوری تا این حد خود را ملزم به رعایت قوانین و ساختارهای بین‌المللی و تلاش‌های دیپلماتیک همه جانبه ندانسته است. در پایان، ایالات متحده بر اساس قطعنامه‌های سازمان ملل عمل و به عراق حمله نمود و نه کشورهای که در شورای امنیت در صدد جلوگیری از اقدام ما بر ضد عراق بودند.
- اکنون مسأله سلاح‌های کشتار جمعی کماکان باقی است. این سؤالی است که باید به آن پاسخ داده شود. این رازی است که باید برملا شود. همانگونه که ما نقشه‌های ایران و لیبی را در گسترش توانایی‌های اتمی برملا کردیم. ما چگونه از رشد سریع بازارهای سیاه مواد اتمی بی‌خبر بودیم و ما چگونه قبل از اینکه کشورها بتوانند پروژه‌های خود را کامل کنند، از آن باخبر می‌شویم؟ ممکن است بتوان به سؤالات موجود درباره انبارهای سلاح‌های عراق پاسخ داد اما این پاسخ کاملاً عملیات سرنگونی حکومت صدام حسین توسط نیروهای ائتلاف را توجیه نمی‌کند.

«دکتر کی» (Kay) مسئول بازرسان آمریکایی در عراق پس از سقوط صدام، در مصاحبه‌ای در اول فوریه گفت: «اگرچه من در عراق هیچ سلاحی پیدا نکردم اما ما می‌دانیم در عراق تروریست‌هایی وجود دارند که هنوز در پی سلاح‌های کشتار جمعی هستند و عراقی‌ها به توانایی‌های قابل ملاحظه‌ای در این زمینه دست پیدا کرده‌اند و در ارتباط با این پدیده، بازاری در حال شکل‌گیری است. آنها دانش تولید سلاح‌های اتمی را دارا هستند و اگرچه ما هیچ انباری در این کشور پیدا نکردیم اما عراق به مکان بسیار خطرناکی در توانایی تولید این سلاح‌ها تبدیل گشته است.

به اعتقاد من، مهمترین جنبه جنگ عراق، تصمیم نظام بین‌الملل و تلاش‌های آن برای مبارزه مؤثر با تروریسم است. این مبارزه طولانی است و تروریست‌ها به خوبی آن را می‌دانند و این دلیل اتخاذ تاکتیک‌های خشونت‌آمیز توسط آنان در عراق است و به همین دلیل است که ما متحدانمان نمی‌توانیم میدان را به آنها واگذار کنیم. پیام (ما) این است که ایالات متحده و کشورهای دیگری که لزوم تقویت

نظام بین‌الملل را درک می‌کنند دیگر حاضر به سکوت در برابر دیکتاتورهای یاغی که منافع و منابع کشورهایشان را به یغما می‌برند، نیستند. اگر شما یکی از این جنایتکاران هستيد دیگر نباید انتظار باقي ماندن در چنین نظامی را داشته باشید و به زودی به دشمن مرده چنین نظامی تبدیل خواهید شد.

کره شمالی هم دارای چنین وضعیتی است. البته شرایط و موقعیت کره شمالی به مانند عراق نیست و برخورد ما با این کشور با توجه به شرایط و موقعیت موجود است. کشورهای چین، ژاپن، روسیه و کره جنوبی نقش اساسی را در ارتباط با کره شمالی ایفا می‌کنند. کره شمالی يك راه بیشتر ندارد، یا به تغییرات اساسی تن درمی‌دهد و یا از بین می‌رود. ایران دارای وضعیتی بسیار متفاوت با کره شمالی است و ادغام زور و دیپلماسی در کنار هم در برابر این کشور موفقیت‌آمیز بوده است. در ایران آشفتگی‌های درون نظام این کشور ممکن است به تغییر چهره این کشور بینجامد.

خاورمیانه

آمار در خاورمیانه نقش مهمی را ایفا می‌کند. در خاورمیانه انفجار جمعیت رخ داده است. بخش اعظم جمعیت کشورهای این منطقه را جوانان تشکیل می‌دهند با این وجود جوانان سهم اندکی در اجتماع دارند چرا که در این منطقه حکومت‌ها جوانان را به حاشیه رانده‌اند. در بسیاری از کشورهای این منطقه نفت به منبع ثروتی برای مردم تبدیل شده است و آنها بدون هیچ تلاشی که آنها را با حقیقت پیوند دهد، ثروتمند شده‌اند. کارهای فیزیکی در این کشورها اغلب توسط مهاجران دیگر کشورها انجام می‌شود. قوانین تحمیلی بر زنان به انفجار جمعیت در این منطقه تبدیل شده است. کارهای تولیدی در این منطقه بسیار کم صورت می‌گیرد و این در حالی است که نسل جوان این کشورها در حالی بزرگ می‌شوند که زمان‌های بسیاری را بیهوده تلف می‌کنند. آنها گسسته از دنیای حقیقی، در وهم و خیال بسر می‌برند اگر عنصر شانس را در نظر بگیریم بسیاری از آنها به ایدئولوژی‌های مخرب و ویرانگر روی آورده‌اند.

اسلامگرایی، (Islamism) نامی است که بسیاری از تحلیلگران بر روی آن نهاده‌اند. با این وجود این جوانان می‌توانند از صفحه تلویزیون‌های خود امکان داشتن زندگی بهتر را در دیگر نقاط دنیا ببینند.

ناامیدی در میان آنان به شدت رواج دارد و اکثر منازعات خشونت‌آمیز جهان در خاورمیانه انجام می‌شود.

بسیاری از حکومت‌های مسلمان منطقه بالاخره يك روز خواهند فهمید که تفسیر افراطی از اسلام شدیداً مخالف با دنیای مدرن، جهانی‌سازی و حکومت‌های سکولار می‌باشد و روزی خود آن حکومت‌های مسلمان اهداف اولیه چنان تفکری خواهند بود. عربستان، مصر و پاکستان در رأس لیست این اهداف می‌باشند. در طول سالیان گذشته این رژیم‌ها و دیگران تلاش احمقانه‌ای را برای منحرف کردن این تهدیدات آغاز کردند. برخی کوشیدند تا اسلامگرایان افراطی را در حکومت‌ها شریک کنند. برخی پول‌های گزافی به آنها پرداختند. برخی افراطیون را روانه دیگر کشورها کردند و هزینه‌های آنان را تأمین کردند. برخی کوشیدند تا با تبلیغات فراوان نگاه افراطیون را به آمریکا و اسرائیل معطوف کنند. بسیاری از این رژیم‌های هدف کوشیدند تا با اتخاذ تاکتیک‌های دفاعی زمان را خریداری کنند.

اما از زمان وقوع حادثه تروریستی یازدهم سپتامبر برخی از حکومت‌های اسلامی دریافتند که در صورت نزدیکی به افراطیون متضرر خواهند شد و بازنده‌اند. نزدیکی به افراطیون تنها دشمنان افراطی آنها را قوی‌تر می‌کند و دیر یا زود مستقیماً خود آنان را مورد هدف قرار می‌دهد. هم اکنون کشورهای عرب سیاست‌های خود را مورد بازنگری جدی قرار داده‌اند و ما شاهد يك «جنگ تمدن» در درون دنیای عرب می‌باشیم. در يك سو کسانی هستند که تفسیر خاص خود از اسلام را بیان می‌کنند و نظام بین‌الملل، قوانین و ساختارهای بین‌المللی، ارزش‌ها و اصول بین‌المللی همچون حقوق بشر و دیپلماسی را تحت عنوان مسائل چالش‌ساز، رد می‌کنند. در این سو گروه القاعده و دیگر شبکه‌های تروریستی فرامرزی که از غرب آفریقا تا هندوستان پراکنده‌اند و در هر قاره‌ای بخشی از آنان وجود دارد، قرار دارند. همچنین در این سو دیکتاتوری صدام و دزدی دریایی قرار داشت، دیکتاتوری که با پرچم دولت بود. همچنین در این سو دولت‌های خاورمیانه‌ای دیگری چون سوریه وجود دارند که تروریسم را تسهیل می‌کنند.

در سوي دیگر حکومت‌های عرب مسلمانان هستند که اگر چه بسیاری از آنان در گذشته از تروریست‌ها حمایت می‌کردند و از اقدامات آنها خشنود می‌شدند و حتی برای آنان تبلیغ می‌کردند ولی اکنون دریافته‌اند که آنها نیز عضوی از نظام بین‌الملل می‌باشند و باید به دنبال راهی برای آشتی با اعتقادات اصیل اسلامی و ممارست با آن اعتقادات باشند. عربستان سعودی و دیگر کشورهای جهان اسلام باید برای تأمین منافع خودشان هم که شده ریشه نفرت را از میان اجتماع خویش برکنند و دست به اصلاحات در جامعه بزنند. جوانان باید شانس دسترسی به جهان را داشته باشند زنان نیز باید برای ایفای نقش‌های اساسی در اجتماع آزاد باشند.

ایالات متحده با جنگ عراق در این جنگ تمدن خاورمیانه وارد شد. ما از قدرتمان به بهترین شیوه استفاده کردیم. به این دلیل که ما خواهان دولت‌هایی خوب و خواهان مشارکت مردم خاورمیانه در نظام بین‌الملل هستیم و هنگامی که مردم ببینند ما بر عقاید خود پافشاری می‌کنیم، می‌توانیم شاهد تغییرات مثبتی در این منطقه باشیم.

مناقشه اسرائیل و فلسطینی‌ها

آمریکا در منازعه طولانی مدت میان اسرائیل و فلسطینیان به مرحله جدید و عمیق‌تری وارد شده است. در سال 1979 میلادی مصر و اسرائیل یکدیگر را به عنوان دولت‌های مشروع و قانونی شناختند و معاهده صلح امضا کردند. در آن زمان مصر به نیابت از فلسطینیان بی‌سرزمین طرف مذاکره کننده با اسرائیل بود اما پس از ترور «انور سادات» توسط افراطیون مسلمان مصر نقش خود در مذاکره با اسرائیل را رها کرد و اردن به جای مصر این نقش را عهده‌دار شد. اردن نیز در سال 1988 میلادی این نقش را رها کرد. از آن زمان تاکنون علی‌رغم چند نشانه ظاهری گفت‌وگوها پیشرفت چندانی نداشته است. چرا که هیچ کشوری حاضر به نشستن بر سر میز مذاکره با اسرائیل نشده است اما اکنون در این مناقشه چند امکان جدید پدید آمده است. بله، خوشبین‌ها باید در گوشه‌ای بایستند، معتقدین به سرنوشت نیز همین طور. در این منطقه شما بر روی احتمالات کار نمی‌کنید بلکه فقط بر روی «ممکن»‌ها کار می‌کنید. کار در این منطقه حیاتی باید با صرف انرژی و زمان زیاد همراه باشد. «ممکن»‌ها بسیار دورتر از آنچه تصور می‌شد، قرار دارند.

واضح است که امنیت اسرائیل لازمه یک گفت‌وگوی سازنده است. کسانی که خواهان حذف و نابودی اسرائیل بودند، تلاش‌ها و مذاکرات «اسلو» و «کمپ دیوید دوم» را دلیل کارآمدی تروریسم می‌دانستند و هر حرکت اسرائیل به سوی صلح را دلیل ضعف این رژیم می‌دانستند. اکنون دیوار امنیتی در حال احداث است. اسرائیل اعلام کرده که مواضعش در طول مذاکرات ممکن است تغییر پیدا کند. ظاهراً اسرائیل آمادگی عقب‌نشینی بیشتر از «دیوار جدید» (همانند غزه) را نیز دارد. با این محاسبات اگر اسرائیل بتواند امنیت در سرزمین‌های خویش را تأمین کند، گام بزرگی به سوی صلح برداشته شده است. اسرائیل یک بار دیگر ثابت کرد که در عملیات نظامی شکست‌ناپذیر است. زمانی که فلسطینیان با این واقعیت مواجه شوند که تروریسم بی‌تأثیر و نوعی خودکشی است، این درک به آنان کمک می‌کند تا گام بزرگی را به سوی صلح بردارند.

چه کار ممکن دیگری را می‌توان انجام داد؟ جنگ بر ضد عراق دولتی را از میان برداشت که به طور مکرر روند صلح را با چالش روبه‌رو کرده بود. عملیات آزادسازی عراق تأثیر بسزایی بر کل منطقه خواهد داشت. هنگامی که ثبات در عراق برقرار شود مردم خاورمیانه خواهند دید که تغییر برای بهتر شدن ممکن خواهد بود.

نکته حائز اهمیت این است که برای اولین بار در طول تاریخ منازعه اسرائیل و فلسطینیان کشورهای مهم عرب مایل به پیشرفت روند صلح میان این دو هستند. عربستان سعودی، مصر و اردن سه حلقه کلیدی این ساختار می‌باشند. ابتکار «شاهزاده عبدالله» را به یاد بیاورید. ابتکاری که بر اساس آن، اتحادیه عرب در صورت برقراری توافق صلح میان اسرائیل و فلسطین، اسرائیل را برای همیشه به عنوان یک دولت قانونی و مشروع در خاورمیانه و در نظام بین‌الملل به رسمیت خواهد شناخت.

در این میان «نقشه راه» مطرح شده است. این نقشه به پیشرفت صلح میان اسرائیل و فلسطینیان کمک خواهد کرد. از زمان صدور قطعنامه «فرآیند صلح» شورای امنیت سازمان ملل در سال 1967 میلادی تاکنون هیچ طرحی که به این گسترده‌گی با حمایت‌های بین‌المللی همراه باشد، ارائه نشده است. اسرائیل و فلسطین، مصر، عربستان سعودی و اردن و «گروه چهار» شامل ایالات متحده، اتحادیه اروپا، روسیه و سازمان ملل همگی رضایت خود را از نقشه راه به عنوان راهی برای پایان دادن به منازعات ابراز کرده اند.

این نقشه راهی را برای پایان دادن به مشکلاتی که در طی 20 سال گذشته در گفت‌وگوهای صلح وجود داشت پیش روی طرفین قرار داد. این نقشه امکان تأسیس کشور فلسطین را نه در پایان مذاکرات، بلکه در میانه مذاکرات فراهم کرد. اگر چه برای تأسیس یک کشور راه‌های بسیاری را می‌بایست پیمود.

اگر مصر و اردن مساعدت و کمک بیشتری می‌کردند خشونت‌ها می‌توانست پایان یابد و کشورهای درگیر نیز می‌توانستند استفاده از قدرت و زور را کنترل کنند. سپس یک کشور فلسطینی در کنار کشور اسرائیل تشکیل می‌شد. به فلسطینی‌هایی که خواهان صلح و یک زندگی بهتر هستند این فرصت را بدهید تا از شر افراط‌گرایان خلاصی یابند و از آن پس کشور آنها شانس داشتن یک دولت نجیب را خواهد داشت. چه کسی می‌داند، شاید «ممکن»‌ها تبدیل به «احتمال»‌ها شوند و واقعیات جدیدی رخ دهد.

دنیا خطر و دنیای شانس

من به طور دقیق نمی‌توانم بگویم خطر به چه میزان و با چه وسعتی ما را تهدید می‌کند. ما درگیر یک جنگ بلندمدت هستیم. دشمنان ما نمی‌توانند در گوشه‌ای بنشینند و شاهد پیشرفت‌ها و موفقیت‌های ما در راه پیشبرد صلح در جهان باشند. یازدهم سپتامبر ما را مجبور کرد تا به میزان خطر پی ببریم. قصور ما در برخورد با دشمنانمان به تقویت و محکم شدن شبکه‌های آنان کمک کرد. اگر بخواهیم حالا را با زمان جنگ جهانی دوم مقایسه کنیم هم اکنون در حدود سال‌های 1937 میلادی هستیم. در دهه 1930 جهان در پیشگیری از وقوع جنگ جهانی دوم ناکام بود. امروز ما آنچه را برای ایفای نقشی قدرتمند از دیپلماسی و قدرت لازم است برای پیروز شدن در این جنگ انجام می‌دهیم. سپس ما و دوستانمان می‌توانیم در جهان به راحتی زندگی و کار کنیم. پیشرفت‌های علمی و تکنولوژی با شوق و حرارت دنبال می‌شود و تأثیر آن بر زندگی انسان عمیق خواهد بود. با تغییر شیوه زندگی و کار ما تکنولوژی هم تغییر خواهد یافت و جهانی شدن از طریق دسترسی بدون مرز به اطلاعات میسر خواهد شد. مردم در سراسر نقاط جهان خواهند دید که پیشرفت‌های اقتصادی در تمام ابعاد و در تمام کشورهای جهان رخ خواهد داد و نظام اقتصادی و سیاسی آزاد به یک پدیده طبیعی تبدیل خواهد گشت.

این واقعیت جدید به این معناست که خط مشی سیاسی-نظامی ایالات متحده باید به سیاست اقتصادی با هدف تغییر چهره بین‌المللی انرژی پیبوند. امنیت و قدرت ما شدیداً تحت تأثیر وابستگی ما به نفتی است که از دیگر کشورها و از بی‌ثبات‌ترین منطقه جهان یعنی خاورمیانه استخراج می‌شود. تمامی رؤسای جمهور ایالات متحده از زمان آیزنهاور به بعد بر استقلال آمریکا در حوزه انرژی تأکید کرده اند. در مقوله امنیت ملی گفته می‌شد که اگر بیش از 20 درصد از مصرف داخلی ما از نفت‌های وارداتی باشد، ما با مشکل مواجه خواهیم شد. این میزان اکنون به 60 درصد و بالاتر رسیده است. علت تلاش‌ها برای خرابکاری در خط لوله‌های عربستان چه بود؟ من پیشنهاد و راه حل‌هایی را برای حل مشکل نفت از سال 1973 میلادی که اولین بحران بزرگ نفتی رخ داد به یاد می‌آورم اما اکنون شرایط متفاوت است.

تکنولوژی ترکیبی در راه است و استفاده حداقل 50 درصدی از گاز مفید است. استفاده از گازهای ناشی از استخراج زغال سنگ نیز ممکن است. ممکن است زغال سنگ بتواند منبع خوبی برای تولید هیدروژن باشد. هیدروژن ممکن است از طریق تجزیه آب نیز به دست آید. شاید بتوان از نیروی باد نیز استفاده کرد. نتایج بهره‌گیری یک اقتصاد از مقادیر فراوانی از ترکیبات هیدروژن می‌تواند هم برای محیط زیست و هم امنیت ما شگفتی‌ساز باشد. دانشمندان، پژوهشگران و سازمان‌های تجاری کشورهای دیگر نیز باید شدیداً بر روی این موضوعات کار کنند. در نتیجه دولت‌ها به پیشرفت‌های قابل ملاحظه‌ای دست پیدا خواهند کرد. ما نباید به حرف‌های متخصصینی که این کارها را غیرممکن بدانند، وقعی بنهیم. پیشرفت‌های علمی در دهه اخیر قابل ستایش است و نشان می‌دهد که خلاقیت امکانپذیر است. بر روی آن شرط‌بندی کنید. روزی احتمال‌های بعید به وقوع خواهد پیوست. اکنون زمان ادامه دادن به پژوهش‌هاست و هنگامی است که باید بودجه بیشتری بر روی هدف‌های خاص همچون جداسازی، الکترونیک و پیل‌های سوختی و نیز برای دانشمندانی که اندیشه‌ها و پژوهش‌هایی در مورد انرژی دارند صرف کنیم. شما نمی‌دانید وقتی منابع و اشتیاق یکجا وجود داشته باشد از انسان‌های مشتاق چه کارهایی برخواهد آمد. ما می‌توانیم امنیت آمریکا را افزایش دهیم و همزمان وضعیت محیط زیست را بهبود بخشیم.